

بررسی تطبیقی آیه نور از منظر مفسران معاصر

سیده آمنه میرخاتمی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۷

چکیده

یکی از آیات قرآن کریم که همواره توجه متفکرین، فلاسفه و مفسران مسلمان را به خود جلب کرده است، آیه ۳۵ سوره نور می‌باشد که نام سوره نیز از همین آیه شریفه برگرفته شده است. با توجه به پیچیدگی تمثیل‌ها در آیه نور و نیاز به تعمق و تأمل بیش‌تر بر روی این آیه، از دیرباز در بسیاری از آثار مسلمین، توجهی خاص و ویژه به این آیه و تفسیر آن معطوف شده است، به ویژه آنکه در انتهای آیه نیز به این نکته اشاره شده که خداوند از طریق مثل‌ها مفاهیم این آیه را برای انسان‌ها متذکر شده است. در این پژوهش که از نوع بنیادی است و در آن از منابع و اسناد کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است، سعی بر آن بوده تا تفسیر آیه ۳۵ سوره نور از منظر مفسران معاصر مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد. تفسیر «المیزان»، تفسیر «نمونه»، تفسیر «نور»، تفسیر «نسیم حیات» و تفسیر «هدایت» از جمله کتب برگزیده تفسیری توسط مفسرین معاصر هستند که به عنوان مرجع در این مقاله مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

کلیدواژگان: سوره نور، تمثیل، بررسی تطبیقی، تفسیر، مفسران معاصر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسأله

آیه ۳۵ سوره نور که به آیه نور نیز معروف است، از جمله آیاتی در قرآن کریم است که پیچیده‌ترین مثل‌ها در آن ذکر شده است، نمادهایی که در این سوره آمده است همانند چراغ، چراغ‌دان، شیشه، درخت مبارک، زیتون و دیگر تمثیل‌ها به واقع یکی از استعاری‌ترین آیات قرآن را تشکیل داده‌اند.

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

ترجمه این آیه توسط علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» بدین صورت است:

«خدا نور آسمان‌ها و زمین است، مثال نور او همچون محفظه‌ای است که در آن چراغی باشد و چراغ در شیشه‌ای، شیشه‌ای که گویی ستاره‌ای است درخشان و آن چراغ با روغن زیتی صاف روشن باشد که از درخت پر برکت زیتون (سرزمین مقدس) گرفته شده باشد نه زیتون شرقی و نه غربی، در نتیجه آنچنان صاف و قابل احتراق باشد که نزدیک است خود به خود بسوزد هرچند که آتش بدان نرسد و معلوم است که چنین چراغی نورش دو چندان و نوری بالای نور است، خدا هر که را خواهد به نور خویش هدایت کند و این مثل‌ها را خدا برای مردمی می‌زند که خدا به همه چیز دانا است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵: ۱۶۶)

آنچه اول از همه در این آیه مورد سؤال و پرسش قرار می‌گیرد آن است که منظور از نور چیست و چرا خداوند فرموده است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، همچنین در ادامه آیات از واژگانی همچون مصباح، مشکات، زجاجه، کوكب، شجره، زیتون و... برای بیان این تمثیل استفاده شده است که به سادگی نمی‌توان مفهوم و معنای آن را دریافت کرد. «در صدر آیه عبارت «مِثْلُ نُورِهِ» ساختار تمثیلی و نمادین آن را به خوبی هویدا می‌کند» (نشریه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، شماره ۶۵: ۹۲-۷۱). خداوند در انتهای این آیه نیز مجدداً به بحث مثل اشاره کرده و می‌فرماید که «يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» برای مردم

چنین مثال زده می‌شود که خود تأییدکننده این مطلب است که مفهومی که در این آیه ذکر شده است تنها از طریق تمثیل برای همگان قابل درک و قابل فهم می‌باشد، و نشان‌گر آن است که قطعاً در ورای ظاهر این آیه و کلمات ذکرشده، معنایی باطنی و درونی نهفته است و به جهت ماهیت مفهوم باید از مثال برای فهم همگان، استفاده شود. از همین روست که اکثر متفکرین و فلاسفه مسلمان در خصوص این آیه، تفسیر و برداشت خود را ذکر کرده‌اند و پایه و اساس بسیاری از مفاهیم عمیق فلسفی بر مبنای همین آیه بنیان‌گذاری شده است. بحث چگونگی نسبت نور با ذات خداوند که از منظر حقیقت بوده است یا مجاز و یا تشبیه و همچنین چرایی اطلاق آن به خداوند و سایر تمثیل‌هایی که در ادامه آیات ذکر شده است در این آثار مورد بحث قرار می‌گرفته که البته در بسیاری از این آثار به جهت نوع بیان فلسفی و شیوه تفسیری و مبانی شناختی فلاسفه که عمدتاً ثقیل‌تر از بیان معمولی است، جهت فهم و درک عمومی، معمولاً شرحی دیگر توسط سایر متفکرین مسلمان بر آن‌ها نوشته می‌شده است. در این مقاله سعی بر آن بوده است تا آیه نور با توجه به تفسیرهای مطرح معاصر ایران مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد، و نکات مد نظر و دریافته‌های مفسران معاصر از این آیه و تمثیلات آن ذکر گردد.

سؤالات پژوهش

۱. آیه نور در آثار تفسیری معاصر ایران، چگونه مطرح شده است؟
۲. مفسران معاصر بیش‌تر به بخش ظاهری آیه پرداخته‌اند یا لایه‌های باطنی آیه را مد نظر قرار داده‌اند؟
۳. آیا مفاهیم عمیق و ثقیل فلسفی آیه در آثار تفسیری معاصر ذکر شده است؟

پیشینه پژوهش

همانطور که پیش‌تر ذکر شد آیه نور همواره مورد توجه محققان و متفکران بوده و از مناظر و دیدگاه‌های مختلفی به آن پرداخته شده و تفسیر گردیده است. بسیاری از فلاسفه و حکمای مسلمان آیه نور را مطالعه و مورد بررسی قرار داده‌اند. ساختار رمزگون

این آیه موجب شده است تا در متون مختلف، تفاسیر متنوعی از این آیه به چشم بخورد. در این بخش به شاخص‌ترین و متقدم‌ترین متفکرانی که در آثار خویش به بررسی این آیه پرداخته‌اند اشاره می‌گردد: یکی از برجسته‌ترین فلاسفه مسلمان که به طور ویژه به این آیه و مفهوم اصلی آن پرداخته است، شیخ اشراق شیخ شهاب‌الدین سهروردی است. ارزشمندترین اثر وی که «حکمة الاشراق» نام دارد و سنگ بنای فلسفه اشراقی به حساب می‌آید، بر مبنای بحث نور و چیستی نور و پاسخ به سؤال اساسی آیه نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» تدوین شده است. فلسفه اشراق فلسفه نور است. سهروردی بحث اصالت نور را بیان می‌کند که تنها چیزی که اصالت دارد، نور است، مابقی چیزها قراردادی و اعتباری است. سهروردی نور را حقیقتی بدیهی و بی‌نیاز از تعریف مطرح می‌کند. «اگر در جهان هستی چیزی باشد که نیازی به تعریف و شرح آن نباشد باید خود، ظاهر بالذات باشد و در عالم وجود چیزی اظهر و روشن‌تر از نور نیست پس بنابراین چیزی از نور بی‌نیازتر از تعریف نیست» (سهروردی، ۱۳۵۵: ۱۹۷).

بحث آیه نور از منظر فیلسوف برجسته اسلامی، ابن‌سینا، نیز دور نمانده است. وی در کتاب «الاشارات والتنبیها» و همچنین در دیگر رسالات خود از جمله «اثبات النبوات» و رساله «الفعل والانفعال واقسامهما» به تفسیر همه یا بخشی از این آیه پرداخته است (حکمت معاصر، شماره ۱: ۱۵۲-۱۴۱). ابن‌سینا با توجه به مبحث قوای نفس و مراتب عقل این آیه را تفسیر می‌کند: «اگر نور خود روشن و روشنی‌بخش دیگر اشیاء است، عقل نیز خود نور است و اگر عقل نور است، پس قوا و مراتب آن را می‌توان به مصادیق و ابزار نور حسی همچون مشکات، زجاجه و مصباح تشبیه کرد. اگر نور حسی راهگشای انسان و نجات‌بخش او از گرفتاری و سقوط در ظلمت‌های مادی است، عقل نیز راهنما و نجات‌بخش انسان از سقوط در ظلمت‌های جهل و نادانی است، چه اینکه اگر عقل بر قوای نفس انسان حکومت کند، او را از گرفتاری در دام احساسات و عواطف و غضب و شهوت نجات می‌بخشد. بنابراین یک فیلسوف می‌تواند عقل را نور بداند چون چراغ راه او عقل است» (نشریه پرتو خرد، شماره ۵ و ۶: ۹-۱۷). خواجه نصیرالدین طوسی و ملاهادی سبزواری نیز در خصوص این آیه به بازگو کردن اندیشه‌های ابن‌سینا پرداخته‌اند (نشریه مشکوة، شماره ۸۴ و ۸۵: ۲۷-۵۹).

ابوحامد محمد غزالی در رساله‌ای مستقل به نام «مشکات الأنوار» آیه نور را مورد تحلیل قرار می‌دهد. «غزالی پس از بیان حقیقت نور و مراتب آن به تفسیر تمثیل‌های قرآن درباره نور الهی و نسبت آن با آسمان‌ها و زمین می‌پردازد. وی معتقد است که همه مثال‌های قرآن رموز و اشارتی است از عالم غیب و ملکوت» (نشریه مشکوة، شماره ۸۵ و ۸۴: ۵۹-۲۷). تأویلات ابن سینا از این آیه را در اثر غزالی نیز می‌توان دنبال کرد. «رد پای تأویلات ابن سینا را در آیه نور می‌توان در تأویلات غزالی به وضوح مشاهده کرد. غزالی در تأویلاتش عقل‌ها را به روح تغییر داده و راه را برای فلسفه اشراقی سهروردی هموار کرده است» (نشریه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، شماره ۶۵: ۹۲-۷۱).

«شاید بتوان گفت نخستین تأویل کامل از آیه نور را عین القضاة همدانی انجام داده است. خود او تصریح کرده است که هیچ کس نتوانسته این آیه را تفسیر کند. زیرا به اعتقاد او، تفسیر آیه نور گفتنی نیست، بلکه دیدنی است. جغرافیای عرفانی عین القضاة بر اساس نور شکل می‌گیرد. در این جغرافیا زمان و مکان بر مبنای نور مشخص می‌شود. در تأویل بخش دوم آیه آورده است که دریغا! بنده‌ای که چون خدای را بیند، نور وجه خدای تعالی به بیننده چنان نماید که نور چراغ از پس آبگینه و آبگینه در مشکات باشد. این مشکات جان بیننده باشد و زجاجه نور محمد (ص) باشد» (همان).

صدر المتألهین ملاصدرا نیز در خصوص آیه نور مباحث مفصلی را در اثری مستقل به نام «تفسیر آیه نور» مطرح کرده است و ضمن توجه به ظاهر آیه، به اسرار و رموز درونی آیه با رویکرد فلسفی پرداخته است. «ملاصدرا نور را به معنی وجود گرفته و به عقیده وی آنچه به خودی خود ظاهر و عین ظهور است و همه چیز بدان ظهور می‌یابد وجود است. ملاصدرا برای بیان معنی چراغ و مشکات، با بیان نسبت بین نور و چراغ، می‌گوید ذات بسیط الهی در آیه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» دارای دو حیثیت هویت و الهیت است همانطور که به یک اعتبار وجود و به یک اعتبار اسم است. چراغ مثالی است برای اسم الله و نور آن مثل برای هویت احدی است» (دوفصلنامه حکمت صدرایی، شماره ۲: ۸۴-۷۱). به طور کلی فلاسفه و متفکرین پر تعدادی در خصوص آیه نور بحث کرده‌اند، متفکران دیگری همچون مرحوم طبرسی، امام فخر رازی در تفاسیر خود و همچنین شاه نعمت‌الله ولی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ابوالفتوح رازی و بسیاری دیگر از حکما و

عرفا و متفکران در آثار خود به تفسیر این آیه همت گماشته‌اند. در دنیای معاصر نیز همچنان پرداختن به این آیه مد نظر مفسران و محققان بوده است، و تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در این حوزه انجام گرفته که برگرفته از اندیشه‌های همان فلاسفه و متفکرانی است که در سطرهای فوق نام برده شد. آنچه در این مقاله مطرح بوده نگاه تطبیقی مفسران معاصر قرآن کریم در خصوص این آیه بوده است. در این پژوهش که از نوع بنیادی است و از منابع و اسناد کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات بهره گرفته شده، در ابتدا از بین مفسران معاصر تفسیر گران‌سنگ «المیزان» از گنجینه‌های تفسیر قرآن توسط علامه طباطبایی، به عنوان اولین مرجع برای بررسی آیه نور از منظر مفسران معاصر در نظر گرفته شده است. تفسیر «نمونه» اثر آیت الله مکارم شیرازی، «تفسیر نور» نگاشته حجت الاسلام و المسلمین قرائتی و تفسیر «نسیم حیات» متعلق به استاد بهرام پور و تفسیر «هدایت» اثر علامه محمدتقی مدرسی، از دیگر منابع برای بررسی آیه بر طبق تفاسیر معاصر بوده است تا با نگاهی تطبیقی رویکرد تفاسیر مطرح معاصر در خصوص آیه نور تبیین گردد.

آیه نور از دیدگاه علامه طباطبایی (تفسیر المیزان)

علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» اشاره می‌کند که در آیه ۳۵ و آیات بعدی، مؤمنین نسبت به کفار دارای امتیازاتی هستند که به وسیله اعمال صالح هدایت یافته و به نوری از ناحیه پروردگارشان راه یافته‌اند که ثمره‌اش معرفت خدای سبحان و سلوک و راهیابی به بهترین پاداش و نیز به فضل خدای تعالی است. «خدای تعالی دارای نوری است عمومی که با آن آسمان و زمین نورانی شده و در نتیجه به وسیله آن نور در عالم وجود، حقایق ظهور نموده که ظاهر نبود و باید هم اینچنین باشد، چون ظهور هر چیز اگر به وسیله چیز دیگری باشد باید آن وسیله خودش به خودی خود ظاهر باشد تا دیگران را ظهور دهد و تنها چیزی که در عالم به ذات خود ظاهر و برای غیر خود مظهر باشد همان نور است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۶۷). تفسیری که علامه از نور دارد همان تفسیر فلاسفه مسلمان از جمله سهروردی است که در کتاب «حکمت اشراق» که بر مبنای آیه نور است نیز ذکر شده و در بخش پیشینه تحقیق به آن اشاره شده است.

صاحب کتاب «المیزان»، این نور را به نور معرفت تفسیر کرده: «در این میان نور خاصی هست که تنها مؤمنین با آن روشن می‌شوند، و به وسیله آن به سوی اعمال صالح راه می‌یابند و آن نور معرفت است که دل‌ها و دیده‌های مؤمنین در روزی که دل‌ها و دیده‌ها زیر و رو می‌شود به آن روشن می‌گردد. پس خدای سبحان نوری است که به وسیله او آسمان‌ها و زمین ظهور یافته‌اند. مراد از نور در جمله (خدا نور آسمان‌ها و زمین است) نور خداست که از آن، نور عام عالمی نشأت می‌گیرد، نوری که هر چیزی به وسیله آن روشن می‌شود و با وجود هر چیزی مساوی است و عبارت اخراج آن است و این همان رحمت عام الهی است. مقصود از نور خدا همان نور ایمان و معرفت است که به مؤمنین اختصاص دارد» (منبع پیشین).

«علامه طباطبایی اضافه نور به «الله» را در «مَثَلُ نوره» به معنای اضافه حقیقی لامیه (اضافه ملکیت) گرفته است؛ یعنی مثال نوری خواهد بود که برای خداوند است. بنابراین وصف و بیان نوری که خود خداوند متعال است مورد نظر نیست بلکه مثال برای نوری می‌باشد که از آن خداوند است» (نشریه مشکوة، شماره ۸۴ و ۸۵: ۵۹-۲۷).

در ادامه آیه و در خصوص واژگانی همچون مشکات، زجاجه، کوكب دری و... آمده است که آنچه تشبیه به مشکات شده، به مشکات و همه خصوصیات که در آیه برای آن آمده تشبیه شده، نه تنها به کلمه مشکات، زجاجه نیز به معنای شیشه‌ای است که بر روی چراغ می‌گذارند و خاصیت آن این است که نور را بهتر و درخشان‌تر پخش می‌کند، از طرفی نور را از گزند باد و اضطراب خاموش شدن محفوظ می‌دارد. تشبیه زجاجه به کوكب دری به خاطر شدت نور چراغ و تابش آن است. در ادامه بحث، درخت زیتون است که اشاره دارد چراغ، اشتعال‌اش از روغن است که از درخت زیتون گرفته می‌شود و مقصود از شرقی و غربی نبودن آن است که درخت نه در جانب مشرق روییده و نه در جانب مغرب، بلکه در وسط قرار دارد و میوه‌اش به خوبی می‌رسد و روغن‌اش زلال می‌شود. نور زجاجه مذکور نوری است عظیم بالای نور عظیمی دیگر، یعنی نوری در کمال تلمع و درخشش. بنابراین می‌توان در جمع‌بندی به این نکته رسید که نور خدا که به دل‌های مؤمنین می‌تابد، در مقام مثال عبارت است از «نور تابیده از لوله شیشه چراغ، چراغی که از روغنی پاک و زلال می‌سوزد و در شیشه قرار دارد، زیرا نور چراغ که از

زجاجه(لوله شیشه‌ای) به بیرون می‌تابد تابش آن بهتر و قوی‌تر می‌باشد، چون آن شیشه و مشکات نور را جمع‌آوری نموده و به کسانی که طالب نورند منعکس می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۷۳).

آیه نور از دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی (تفسیر نمونه)

آیت الله مکارم شیرازی در «تفسیر نمونه» ذیل واژه نور چنین نوشته‌اند: «در قرآن مجید و روایات اسلامی از چند چیز به عنوان نور یاد شده است: قرآن مجید، ایمان، هدایت الهی و روشن بینی، آئین اسلام، شخص پیامبر(ص)، امامان و پیشوایان معصوم و علم و دانش» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۴: ۴۷۲-۴۷۱).

سپس خواص و ویژگی‌های نور از چند وجه مورد بررسی قرار گرفته است: نور زیباترین و لطیف‌ترین موجودات در جهان ماده است و سرچشمه همه زیبایی‌ها و لطافت‌ها است، نور بالاترین سرعت را طبق آنچه در میان دانشمندان معروف است در جهان ماده دارد، نور وسیله تبیین اجسام و مشاهده موجودات مختلف این جهان است، نور آفتاب که مهم‌ترین نور در دنیای ما است پرورش‌دهنده گل‌ها و گیاهان بلکه رمز بقای همه موجودات زنده است، نور آفتاب نابودکننده انواع میکروب‌ها و موجودات موزی است، خلاصه هرچه در این پدیده عجیب عالم خلقت (نور) بیش‌تر می‌نگریم و دقیق‌تر می‌شویم آثار گرانبها و برکات عظیم آن آشکارتر می‌شود.

پس از برشمردن ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد نور، در این تفسیر سخن از چرایی استفاده از واژه نور برای خداوند متعال ذکر می‌گردد: «اگر بخواهیم برای ذات پاک خدا تشبیه و تمثیلی از موجودات حسی این جهان انتخاب کنیم (گرچه مقام باعظمت او از هر تشبیه و نظیر برتر است) آیا جز از واژه نور می‌توان استفاده کرد؟ قرآن نور است چون کلام اوست. آئین اسلام نور است چون آئین او است. پیامبران نورند چون فرستادگان او می‌اند. امامان معصوم انوار الهی هستند چون حافظان آئین او بعد از پیامبران‌اند. ایمان نور است چون رمز پیوند با او است. علم نور است چون سبب آشنائی با او است. بنابراین الله نور السموات و الارض. بلکه اگر نور را به معنی وسیع کلمه به کار بریم یعنی هر چیزی که ذات‌اش ظاهر و آشکار باشد و ظاهرکننده غیر؛ در این صورت

بکار بردن کلمه نور در ذات پاک او جنبه تشبیه هم نخواهد داشت، چراکه چیزی در عالم خلقت از او آشکارتر نیست و تمام آنچه غیر او است از برکت وجود او آشکار است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۴: ۴۷۴). همچنین به حدیثی از امام رضا(ع) در خصوص این آیه اشاره شده است که خداوند هدایت‌کننده اهل آسمان‌ها و اهل زمین است، سپس نگاهی به فرازی از دعای جوشن کبیر شده است که در آن خداوند با این واژگان مورد خطاب قرار می‌گیرد:

«یا نور النور، یا منور النور، یا خالق النور، یا مدبر النور، یا مقدر النور، یا نور کل نور، یا نوراً قبل کل نور، یا نوراً بعد کل نور، یا نوراً فوق کل نور، یا نوراً لیس کمثله نور»

که به این ترتیب همه انوار هستی از نور او مایه می‌گیرند و به نور ذات پاک او منتهی می‌شوند.

در ادامه آیه و رسیدن به واژگان دیگر بحث چنین ادامه می‌یابد: مشکلات در اصل به معنی روزنه و محل کوچکی است که در دیوار ایجاد می‌کردند، و چراغ‌های معمول قدیم را برای محفوظ ماندن از مزاحمت باد و طوفان در آن می‌نهادند و گاه از داخل اطاق طاقچه کوچکه درست می‌کردند و طرفی را که در بیرون اطاق و مشرف به حیاط منزل بود با شیشه‌ای می‌پوشاندند، تا هم داخل اطاق روشن شود و هم صحن حیاط و در ضمن از باد و طوفان نیز مصون بماند و نیز به محفظه‌های شیشه‌ای که به صورت مکعب مستطیلی می‌ساختند و دری داشت و در بالای آن روزنه‌ای برای خروج هوا و چراغ را در آن می‌نهادند گفته شده است. مصباح به معنی خود چراغ است که معمولاً با فتیله و یک ماده روغنی قابل اشتعال افروخته می‌شده است. زجاجه یعنی شیشه و در اینجا به معنی حبابی است که روی چراغ می‌گذاشتند تا هم شعله را محافظت کند و هم گردش هوا را. جمله «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» اشاره به ماده انرژی‌زای فوق العاده مستعد برای این چراغ است، چراکه روغن زیتون که از درخت پر بار و پر برکتی گرفته شود یکی از بهترین روغن‌ها برای اشتعال است، آن‌هم درختی که تمام جوانب آن به طور مساوی در معرض تابش نور آفتاب باشد، نه در جانب شرق باغ و کنار دیواری قرار گرفته باشد و نه در جانب غرب که تنها یک سمت آن آفتاب ببیند و در

نتیجه میوه آن نیمی رسیده و نیمی نارس و روغن آن ناصاف گردد؛ و با این توضیح به اینجا می‌رسیم که برای استفاده از نور کامل چنین چراغی با درخشش و تابش بیش‌تر نیاز به چهار عامل داریم: چراغ‌دانی که آن را از هر سو محافظت کند، حبابی که گردش هوا را بر گرد شعله تنظیم کند، چراغی که مرکز پیدایش نور بر فتیله آن است و بالأخره ماده انرژی‌زای صاف و خالص و زلالی که آنقدر آماده اشتعال باشد که گویی بدون تماس با شعله آتش می‌خواهد شعله‌ور گردد. این‌ها در حقیقت بیان‌گر جسم و ظاهرشان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۴: ۴۷۷). سپس به نگاه دیگر مفسران بدون بردن نام آن‌ها اشاره شده است که تفسیرهایی دیگر و تفسیری ورای بحث ظاهری داشته‌اند. از آن جمله اشاره به نور هدایت و ایمان بر قلوب مؤمنین، قرآن، پیامبر اکرم (ص)، دلایل توحید و عدل پروردگار، روح اطاعت و تقوا که مایه هر خیر و سعادت است، سپس توضیح داده شده است که «نور ایمان که در قلب مؤمنان است دارای همان چهار عاملی است که در یک چراغ پر فروغ موجود است: مصباح همان شعله‌های ایمان است که در قلب مؤمن آشکار می‌گردد و فروغ هدایت از آن منتشر می‌شود، زجاجه و حباب قلب مؤمن است که ایمان را در وجودش تنظیم می‌کند و مشکات سینه مؤمن و یا به تعبیر دیگر مجموعی شخصیت و آگاهی و علوم و افکار اوست که ایمان وی را از گزند طوفان حوادث مصون می‌دارد و شجره مبارکه زیتونه همان وحی الهی است که عصاره آن در نهایت صفا و پاکی می‌باشد و ایمان مؤمنان به وسیله آن شعله‌ور و پر بار می‌گردد. برای حفظ این نور الهی (نور هدایت و ایمان) مجموعه‌ای از معارف و آگاهی‌ها و خودسازی‌ها و اخلاق لازم است که همچون مشکاتی این مصباح را حفظ کند و نیز قلب مستعد و آماده‌ای می‌خواهد که همچون زجاجه برنامه آن را تنظیم نماید و امدادی از ناحیه وحی لازم دارد که همچون شجره مبارکه زیتونه به آن انرژی بخشد، و این نور وحی باید از آلودگی به گرایش‌های مادی و انحرافی شرقی و غربی که موجب پوسیدگی و کدورت آن می‌شود برکنار باشد، آنچنان صاف و زلال و خالی از هرگونه التقاط و انحراف که بدون نیاز به هیچ چیز دیگر تمام نیروهای وجود انسان را بسیج کند و مصداق «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ» گردد. هرگونه تفسیر به رأی و پیش‌داوری‌های نادرست و سلیقه‌های شخصی و عقیده‌های تحمیلی و تمایل به چپ و راست، و هرگونه خرافات که محصول

این شجره مبارکه را آلوده کند از فروغ این چراغ می‌کاهد و گاه آن را خاموش می‌سازد. از آنچه در بالا گفتیم این نکته روشن می‌شود که اگر در روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) که در تفسیر این آیه رسیده است مشکلات گاهی به قلب پیامبر اسلام (ص) و مصباح نور علم، و زجاجه وصی او علی (علیه السلام) و شجره مبارکه به *ابراهیم خلیل* که ریشه این خاندان از او است، و جمله «لا شرقیة ولا غربیة» به نفی گرایش‌های یهود و نصارا تفسیر شده است، در حقیقت چهره دیگری از همان نور هدایت و ایمان و بیان مصداق روشنی از آن است، نه اینکه منحصر به همین مصداق باشد و نیز اگر بعضی از مفسران این نور الهی را به قرآن یا دلائل عقلی یا شخص پیامبر اسلام (ص) تفسیر کرده‌اند آن نیز ریشه مشترکی با تفسیر فوق دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۴: ۴۸۰-۴۷۸).

آیه نور از دیدگاه علامه محمدتقی مدرسی (تفسیر هدایت)

علامه مدرسی در تفسیر خود در خصوص این آیه و بحث نور، بحث عالم تشریح (احکام) و عالم تکوین (طبیعت) را مطرح می‌کند. «نور خدا همانگونه که در طبیعت متجلی است در تشریح و قانونگذاری و احکام نیز جلوه‌گر است» (مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۱۵). همچنین در این تفسیر ذکر شده است که زجاجه (آبگینه) می‌تواند عقل باشد که نور رسالت را پذیرا می‌گردد و یا مردان صالح که رسالت‌های الهی را حفظ می‌کنند. زمانی که آبگینه کدر و آلوده شود آن نور نیز پوشیده و پنهان می‌گردد که این امر در خصوص عقل نیز صدق می‌کند که اگر به خواهش‌ها آلوده شود، حقیقت را نمی‌بیند و چراغ وحی به او سودی نمی‌رساند، اما اگر عقل‌اش تابان و نفس‌اش متذکر باشد، رسالت را تأیید می‌کند.

در ادامه و در تأویل درخت مبارک (شجره مبارکه)، درخت را دانش و پرهیزگاری دانسته است چراکه شناخت و معرفت به چراغ وحی سوخت می‌رساند و درخشش و نور آن را در چراغ‌دان قلب می‌افزاید. درخت در جایی است که برکت آن به تمام جهان، پخش می‌شود بدون آنکه به سرزمینی خاص اختصاص داشته باشد و شاید این کلمه به استقامت در پرهیزگاری و تقوا اشاره کند.

در ادامه و در بخش «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ» به این نکته اشاره می‌شود که: «انسان درست و معتدل، دارای علم و عقل پاکیزه، به دور از هواها و خرافات است. پس نفس او بی‌آلایش و شفاف است و به کوچک‌ترین اشاره‌ای می‌نگرد تا حقایق را کسب کند و این آیه - چنانکه به نظر من می‌رسد - بدین اشاره می‌کند که تقوا که همان روغن چراغ زلال و پاکیزه وحی است، همانا طریق هدایت و راه شناخت و معرفت و مهد حکمت و استوار اندیشی است، پس روشنی حقایق را برای بشر می‌افروزد گرچه آتش وحی و نورش بدان نرسیده باشد. پس نور وحی از نور تقوا سوخت و نیرو می‌گیرد و وحی به نور عقل فزونی می‌یابد» (مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۱۷). در پایان آیه نیز اشاره می‌شود که برای هیچ کس ممکن نیست که بدون مشیت و خواست خداوند از این نور بهره جوید و خداوند انسان را به وسیله نور رسالت خود به سوی نور رحمت خویش رهبری می‌کند.

آیه نور از دیدگاه حجت الاسلام و المسلمین قرائتی (تفسیر نور)

در «تفسیر نور» ابتدا کلمات موجود در آیه توضیح داده شده‌اند: «نور» یعنی چیزی که هم خودش روشن است و هم سبب روشنی اشیاء دیگر می‌شود. در فرهنگ اسلام اموری به عنوان «نور» معرفی شده است: قرآن، علم، عقل، ایمان، هدایت، اسلام، پیامبر (ص). «مشکات» یعنی چراغ‌دان. «ذُرّی» به معنای پر نور و پر فروغ است. «زیت» روغن زیتون را گویند که وسیله روشنایی بوده است» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۱۸۶). سپس در ادامه مطالب ارجاع به تفسیر نمونه هستند.

در پایان پیام‌هایی در مورد آیه نور مطرح شده‌اند که به این شرح می‌باشد: ۱. هستی، فیض خداوند و پرتوی از نور اوست، قوام و بقای هستی از اوست. «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»، ۲. نور خدا هم گسترده است و هم ثابت (شیشه، هم نور را زیاد می‌کند و هم نور را از خاموش شدن حفظ می‌کند). «المِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ»، ۳. زیتون، درخت مبارکی است: «شَجَرَةٌ مُبَارَكَةٌ زَيْتُونَةٌ»، ۴. روشنی نور خدا از ذات اوست نه از جرقه‌های بیرونی: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»، ۵. گرچه خداوند نور آسمان‌ها و زمین و مایه خلقت و هدایت همه هستی است، اما جایگاه او در زمین، دل‌های پاک و شفاف افراد

مؤمن است که با نور ایمان برافروخته می‌گردد و هرچه خلوص ایمان بیش‌تر باشد، تَلَأُوْ بِبِشْ تَرَى دَارِد: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورٍ مِّنْ يَّشَاءُ» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۱۸۹).

آیه نور از دیدگاه استاد بهرام‌پور (تفسیر نسیم حیات)

در این تفسیر نیز ابتدا توضیح واژه نور به میان آمده است که چیزی است که خود ذاتاً ظاهر است، و دیگری را نیز ظاهر می‌سازد که این موضوع هم با تعریف نورهای مادی مثل خورشید و چراغ و...؛ و هم با نورهای معنوی همچون علم و عقل و سمع و بصر مطابقت دارد. در ادامه به این نکته اشاره می‌شود که مسلم است که در این آیه مراد از نور، نور مادی نیست، خداوند به همه پدیده‌های عالم در خور وجودشان نوری داده است، هدایت و نور تکوینی که جنس این نورها کاملاً شفاف و بی‌اشتباه و بی‌نقص است. بحث دیگری که در تفسیر این آیه به آن اشاره شده است، بحث تشبیه مفرد و مرکب است که در سایر کُتب تفاسیر بدین شکل مطرح نشده است. در این تفسیر ذکر شده که تشبیهات آیه نور از جنس تشبیه مرکب است و مفسرانی که نتوانسته‌اند به درستی از این آیه جمع‌بندی یکپارچه‌ای ارائه دهند به این دلیل بوده است که تشبیهات را مفرد در نظر گرفته‌اند. «تشبیه مفرد آن است که هر جزئی از عناصر تشبیه به طور مستقل به یک جزء مستقل از مشبه به، تشبیه می‌شود، به طوری که در تفسیر آیه، مشکلات را به چیزی مربوط دانسته‌اند و زجاجه را به یک چیز دیگر. تشبیه مرکب آن است که مشبه با اینکه دارای عناصر متعدد است ولی منظور از آن یک امر بسیط و یکپارچه است» (بهرام‌پور، ۱۳۸۶، ج ۱۸: ۱۹۸). همانطور که ذکر شد در این تفسیر تشبیهات با مفردات متعددی که دارد به صورت یکپارچه در نظر گرفته شده که فقط یک چیز را می‌گوید. نور الهی همانند نورهای معمولی نیست که اشیاء را به طور ناقص نمایان کند و فقط ظاهر را توأم با ابهام و سایه نشان دهد بلکه نور خدا حقایق را آنطور که هست نشان می‌دهد تا آنجا که اصل وجود اشیاء هم از خداست. «وصف نور خدا همانند چراغ‌دانی است که در آن چراغی باشد و آن چراغ در حبایی قرار گیرد، حبایی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان و این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی، یعنی از همه اطراف آفتاب می‌خورد و

طبعاً روغن آنچنان صاف و خالص است که بدون تماس با آتش روشنی می‌دهد» (بهرام‌پور، ۱۳۸۶، ج ۱۸: ۲۰۰).

بنابراین هیچ تاریکی و ناصافی و بازدارنده‌ای برای عبور نور خداوند وجود ندارد، و نور هدایت الهی نوری است که در وجود مؤمنان تولید نور می‌کند. نور خدا بدون ابهام و شفاف است و در تشریح نیز روشن‌گر و نمایان‌گر همه مصالح و ضررهاست.

نتیجه بحث

آیه ۳۵ سوره نور از جمله آیاتی است که بسیاری از فلاسفه و متفکرین مسلمان طی قرون گذشته در آثار خود به آن پرداخته‌اند که در بخش پیشینه تحقیق در این مقاله به اجمال ذکر شد. در این مقاله سعی بر آن بود تا آیه نور از منظر مفسران معاصر و با استفاده از تفسیرهای معاصر، مورد مطالعه و بررسی تطبیقی قرار گیرد. نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد که در تفسیرهای معاصر، هم به بخش ظاهری آیه و معنای لغوی و ظاهری آن توجه شده و هم به اجمال در برخی تفسیرها (نور و نسیم حیات) و کامل‌تر («المیزان» و «نمونه» و «هدایت») به معانی و برداشت‌های دیگر نیز از این آیه اشاره شده است. در بین تفاسیر مورد مطالعه قرار گرفته، در تفسیر هدایت بیش‌تر نگاه به معنای باطنی و حقیقت آیه بوده است تا معنای لغوی، برای مثال اشاره شده است که زجاجه می‌تواند عقل باشد که نور رسالت را پذیرا می‌گردد، و یا در تأویل درخت مبارک، درخت را دانش و پرهیزگاری دانسته است و در ادامه آیه بدین اشاره می‌کند که تقوا که همان روغن چراغ زلال و پاکیزه وحی است، همانا طریق هدایت و راه شناخت و معرفت و مهد حکمت و استوار اندیشی است. بحث اصطلاح تشبیهات مفرد و مرکب هم که در تفسیر نسیم حیات مطرح شده در سایر تفاسیر دیده نمی‌شود، در این تفسیر اشاره شده است که نباید تشبیهات این آیه را از نوع مفرد در نظر گرفت و یک کلمه را به چیزی مربوط دانست و کلمه‌ای دیگر را به چیزی دیگر (مثل مشکات و زجاجه)، بلکه تشبیهات این آیه با اینکه دارای عناصر متعددی است اما منظور از آن امری بسیط و یکپارچه است. در تفسیر «المیزان» و نمونه نیز پس از بررسی کامل معنای لغوی عناصر آیه از جمله نور و مشکات و زجاجه و... به سایر معانی نور هم از جمله ایمان و معرفت و... نیز

اشاره شده است که به هر حال رویکرد تفسیر «المیزان» در سایر تفاسیر نیز دیده می‌شود. در تفسیر «المیزان» اضافه نور به «الله» در «مَثَلُ نُورِهِ» به معنای اضافه حقیقی لامیه (اضافه ملکیت) گرفته شده است و در «تفسیر نمونه» به سایر معانی که در آثار دیگر از نور برداشت شده مفصل‌تر اشاره شده است از جمله قرآن مجید، ایمان، هدایت الهی و روشن بینی، آئین اسلام، شخص پیامبر (ص)، امامان و پیشوایان معصوم و علم و دانش.

به هر روی آیه نور از جمله آیات پر رمز و راز و پیچیده قرآن از لحاظ درک حقیقتِ مثال‌ها و تشبیهات است، و به همین جهت است که از دیرباز تفاسیر گوناگونی بر این آیه نگاشته شده است. پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) هر کدام در عصر خودشان تبیین‌کننده و مفسر قرآن کریم برای مسلمانان بوده‌اند تا هرگونه ابهام را از ذهن‌ها با توجه به ظرفیت ادراکی هر فرد بزدایند. به امید فرج قائم آل محمد (ص) که مفسر حقیقی قرآن کریم در زمان معاصر هستند.

کتابنامه

قرآن کریم

کتاب فارسی

- بهرام پور، ابوالفضل. ۱۳۸۶ش، **تفسیر نسیم حیات**، قم: نگین.
- سهروردی، شیخ شهاب الدین. ۱۳۵۵ش، **حکمة الاشراق**، ترجمه دکتر سید جعفر سجادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قزائتی، محسن. ۱۳۸۸ش، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مدرسی، محمدتقی. ۱۳۷۸ش، **تفسیر هدایت**، ترجمه پرویز اتابکی، جعفر شعار، احمد آرام و عبدالمحمد آیتی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۰ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مقالات

- سلیمانی، فاطمه و منا فریدی خورشیدی. بی‌تا، «تفاوت تأویلی آیه مبارکه نور از منظر ابن سینا و ملاصدرا»، **دوفصلنامه حکمت صدرایی**، سال سوم، شماره دوم، صص ۸۴-۷۱.
- لطیفی، حسین. ۱۳۸۳ش، «آیه نور در چشم انداز عالمان اسلامی»، **نشریه مشکوة**، شماره ۸۴ و ۸۵، صص ۵۹-۲۷.
- محسنی، محمد سالم. ۱۳۹۳ش، «تفسیر فلسفی آیه نور از منظر ابن سینا»، **نشریه پرتو خرد**، شماره ۶۵، صص ۱۷-۹.
- وکیلی، هادی و پریسا گودرزی و محبوبه امانی. ۱۳۹۱ش، «تفسیر آیه «نور» از منظر ابن سینا و داراشکوه»، **حکمت معاصر**، شماره ۱، صص ۱۵۲-۱۴۱.
- یوسفی، محمد رضا و الهه حیدری جونقانی. ۱۳۹۴ش، «تأویلات بدیع سهروردی از آیه نور»، **نشریه پژوهش‌های فلسفی-کلامی**، شماره ۶۵، صص ۹۲-۷۱.

Bibliography

The Holy Quran

Bahrampour, Abolfazl. Nasim Hayat Interpretation, Qom: Negin.

Suhrawardi, Sheikh Shahabuddin. 1355. Hikmat al-Ashraq, Translator: Dr. Seyed Jafar Sajjadi. Tehran: Tehran University Press
Qara'ati, Mohsen. Noor Interpretation. Tehran: Lessons from the Qur'an cultural center.
Tabataba'i, [Allameh] Mohammad Hussein. 1374. Translation of the al-Mizan, Translator: Mohammad Bagher Mousavi Hamedani. Qom: Society of Teachers in the Qom Seminary.
Modaresy, [Allameh] Mohammad Taghi. 1999, Hedayat Interpretation, Translator: Parviz Atabaki, Jafar Shahar, Ahmad Aram and Abdolmohammad Ayati. Mashhad: Astan Quds Razavi.
Makaram Shirazi, Nasser 1380, Nemooneh Interpretation, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah.

Articles

Soleimani, Fatemeh and Mina Faridi Khorshidi. "The Difference of the Āyat an-nūr interpretation from the perspective of Avicenna and Mulla Sadra." Sadra's philosophy Journal. Third year, No.2. Pages 71-84.
Latifi, Hussein. 1383. The light verse in the perspective of Islamic scholars. Meshkat Publication. No. 84 and 85. Pages 27-59
Mohseni, Mohammad Salem 1393. "The philosophical interpretation of the verse of light from the perspective of Ibn Sina." The Light of wisdom Magazine. No. 5 and 6. Pages 9-17
Vakili, Hadi and Parisa Goudarzi and Mahboobeh Amani. 1391. "The interpretation of the verse of light from the perspective of Ibn Sina and Dara Shukoh."
Yousefi, Mohammad Reza and Elaheh Heidari Junghani. 1394. Suhrawardi's exquisite interpretations of the light verse." Philosophical and Theological Research. No. 65. Pages 92-71.

Comparative Study of Noor Verse from Contemporary Interpreters' Viewpoint

Seyyedeh Ameneh Mir Khatami: Researcher, Quranic Sciences

Abstract

One of Quran Verses which has always been paid attention by Muslim scholars and interpreters is Verse no. 35 of Noor Surah which the name of the Surah is taken from the mentioned Verse. According to complexity of allegories in the mentioned Verse and necessity of more contemplation and consideration, much attention paid to this Verse and its interpretations. In this research which is fundamental and librarian documents are applied for it, it is tried to study the interpretation of Verse No. 35 from contemporary interpreters' viewpoints. "Al Mizan", "Nemooneh", "Noor" and "Hedayat" interpretations are some of the selected books by contemporary interpreters which are applied as references for the present article.

Keywords: Noor Surah, allegory, comparative study, interpretation, contemporary interpreters.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی